

# شغل ما از سکه افتاده

درد دل فیروزه تراش محله هفده شهریور  
بعد از ۵۴ سال تجربه کاری

۶

ترویج فرهنگ مهدوی  
در پنجشنبه شب های  
خیابان کوهسنگی

یک قدم  
نذر ظهور



۲

نذری برای خدمت به محله

۷

نواختن از مسجد عباسی

همسایه به همسایه دیدار هفتم، شهید عرفانی ۱۲، محله مقدم

## نذری برای خدمت به محله

سمیرا منشاوی | کوچه شهید عرفانی یا همان «رام» سابق، از معابر قدیمی محله مقدم است که همسایه داری در آن حرف ندارد. بیشتر همسایه ها از قدیم الایام یکدیگر را می شناسند و اگر یک روز همدیگر را در مسجد یا در محله نبینند، جویای احوال هم می شوند. اگر مشکلی برای یکی از همسایه ها پیش بیاید، مانند اعضای یک خانواده همه دست به دست هم می دهند تا آن را رفع کنند. سراغ همسایه این کوچه رفته ایم که پیگیر مشکلات کوچه و محله شان هستند.

### یک دهه تلاش برای آبادانی محله



غلامحسین ناظری شصت و دو ساله، از قدیمی های این کوچه است. او در این محله متولد شده و بعد از ازدواجش چند سالی در محله دیگری سکونت کرده است. در نهایت تصمیم می گیرد که خانه و مغازه اش را به محله قدیمی اش برگرداند. ناظری از زمانی یاد می کند که آب لوله کشی در این محله وجود نداشته و از چاهی با سطل آب می کشیدند. کوچه شان خاکی بود و بعد ها در دهه ۵۰ برخی معابر محله آسفالت شد. او در این سال ها شاهد رشد و پیشرفت محله شان بوده و خودش در این عمران و آبادی نقش داشته است.

حسن آقا برای اینکه بتواند بهتر به محله اش خدمت کند، از ۱۰ سال قبل، عضو شورای اجتماعی محله مقدم شد. و همواره در کارهای فرهنگی و عمرانی محله پیش قدم است. کسبه و اهالی، مشکلات محله شان را با او در میان می گذارند و می دانند که فردی پیگیر است. اومی گوید در کنار همه فعالیت هایی که دارد، پانزده سال خادم افتخاری مسجد صاحب الزمان (عج) در محله شان بوده است. ناظری تأکید می کند که خدمت به مردم نوعی عبادت محسوب می شود.

### حس شیرین خادم بودن



شمسی عبايي را ناظری معرفی می کند و می گوید سال ها است که به صورت افتخاری در مسجد صاحب الزمان (عج) خادم است. او از آن خادمان دلسوز و مهربانی است که در دل اهالی محله برای خود جا باز کرده است. اما اجرای انس و الفتش با مسجد به این برمی گردد که حدود ۹ سال قبل، پسرش را از دست داد. اوضاع روحی اش حسابی به هم ریخته و دچار بیماری روحی شده بود. نذر کرد که اگر شفا پیدا کرده به مسجد محله شان خدمت کند. در همین بین خادم قدیمی از مسجد می رود و او در حالی که روبه بهبودی بوده، برای خدمت به مسجد اقدام می کند. روزها قبل از شروع نماز به مسجد می رفته و محیط را تمیز می کرده است تا برای ورود نمازگزاران آماده باشد. شمسی خانم می گوید: حس خدمت به مردم محله بسیار شیرین است و این کار در روحیه ام بسیار اثر گذار بوده است. بسیار پیش آمده که بانوی مسجدی نیاز به کمک داشته است و تلاش کرده ام که با کمک گرفتن از خیریه مسجد و در میان گذاشتن با سایر نمازگزاران گره از کارش باز کنم.

### دغدغه تأمین دارو



رضا بنایی طرقي هفتاد و سه ساله از سال ۱۳۷۰ به این محله آمده است. او باز نشسته اداره پست است و از زمانی که در گلکان ساکن بوده دستش در کار خیر بوده و دوست داشته گره گشای کارهای مردم باشد. همین روحیه اش سبب شده است بعد از آمدن به محله جدید با مسجدی ها آشنا شود. او توسط هیئت امنای مسجد برای خیریه مسجد معرفی می شود و به این ترتیب از سال ۱۳۷۲ خیریه صاحب الزمان (عج) را اداره می کند. در حال حاضر، خیریه شان بیش از شصت خانوار را تحت پوشش دارد که برخی از افراد تحت پوشش در همین محله و برخی دیگر از سایر محله های شهر هستند. حالا

بسته های معیشتی، تهیه دارو، معرفی به پزشک، تهیه جهیزیه و سیسمونی از جمله کارهایی است که او و دیگر خیران انجام می دهند. آقارضا دغدغه درمان و تهیه دارو بیماران خیریه را دارد و تلاش می کند خیران را برای این موضوع پای کار بیاورد. می گوید: در کنار کارهای خیریه که انجام می دهم، چون کارهای سیم کشی و تعمیر لوازم برقی را بلدم، هر کدام از افراد تحت پوشش من نیاز به این خدمات داشته باشد، به رایگان برای کمک به آن ها اقدام می کنم.

کلایه ساکنان خیابان شهدای سلامت از پارک غیر مجاز خودروها و ترافیک در این معبر

## اطراف اورژانس پارکینگ می خواهد



صفائی ادو طرف خیابان ماشین ها پارک کرده اند و نزدیک اورژانس عدالتیان هم تعدادی خودرو، دوبل پارک کرده اند و منتظر گرفتن خبری از بیمارشان هستند. خودروها به گندی از این معبر گذرمی کنند. در این شلوغی خیابان، راننده پراید هم که گویا برای رفتن عجله دارد، بی توجه به ترافیک ایجاد شده سعی می کند از پارک بیرون بیاید و حرکت کند که خروج ناگهانی اواز پارک، صدای راننده دیگر را در می آورد و به جرح و بحث کوتاها منجر می شود.

این ماجرا هر روز و در هر روز بارها رخ می دهد و به چشم می آید.

### معضل پارک دوبل و ترافیک

احمد حیدری که کمتر از یک دهه در این خیابان ساکن است، با اشاره به خودروهای در هم گره خورده می گوید: خودتان ببینید چه وضعیتی پیش آمده است. هر روز این ترافیک را در اینجا می بینیم که گاهی هم منجر به دعوا و سروصدا می شود. بارها از پلیس راهور خواسته ایم برای اینجا راه چاره ای ببینید، اما هنوز اقدامی صورت نگرفته است. او ادامه می دهد: وقتی می خواستیم در این محدوده خانه بگیریم، پذیرفتم که با پزشک قانونی، اورژانس، بیمارستان و مراکز درمانی همسایه می شوم و با علم به این موضوع به اینجا آمدم. اما حداقل توقع من و همسایه هایمان رعایت قوانین است. رانندگان برخلاف قانون در دو طرف خیابان پارک می کنند، با خودمان می گوییم بیمار دارند، مضطرب هستند، ایرادی ندارد، اما از انصاف به دور است که در این خیابان دوبل هم پارک کنند. مدیریت شهری پارکینگ سینا را در خیابان این سینا احداث کرده است، اما شهروندی که بیمار اورژانسی دارد، نمی تواند از آن پارکینگ استفاده کند. اومی خواهد به سرعت بیمار را به راه مرکز درمانی برساند، ماشین را پارک کند و بر بالین بیمار را برود. شاید مدیریت شهری بتواند با همکاری مسئولان بیمارستان، پارکینگ طبقاتی در این محدوده احداث کند.

مهدی امینی، یکی دیگر از همسایگان این محله می گوید: قرار بود بر خیابان شهدایان عامل پارکینگ همت احداث شود. با احداث این پارکینگ شرایط ما بهتر خواهد شد. او ادامه می دهد: قبل از بهسازی و بازگشایی این معبر و احداث بولوار شهدای ارتش ماشین ها از زمین خالی اینجا (بن بست خیابان شهدای عامل) به عنوان پارکینگ استفاده می کردند، اما با تغییرات ایجاد شده این فضای پارک هم از دست رفت و رانندگان ماشین ها ایشان را در کوچه پس کوچه های اطراف پارک می کنند.

### طرح کوتاه مدت نداریم

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۸ در باره شرایط این خیابان توضیح می دهد: در حال حاضر، برای رفع مشکل ترافیک و پیشگیری از پارک خودروها در این معبر طرح کوتاه مدت نداریم. وجود ساختمان هایی مانند پزشکی قانونی، اورژانس عدالتیان و مجتمع های پزشکی شرایط اضطرار پارک را به وجود می آورد. همین موضوع سبب شده است تا بلوهای حمل با جرقه قیل جمع شده و اجازه پارک به خودروها در هر دو طرف داده شود. امین علیزاده با بیان اینکه ترافیک ایجاد شده در خیابان شهدای سلامت، سبب گره ترافیکی شدید و قفل شدن ماشین ها نمی شود و این معضل چندان حاد نیست، می گوید: پارکینگ های طبقاتی اغلب ظرفیت چهل ماشین را دارد و چندان پاسخ گوی نیاز شهروندان در این محدوده نیست. از طرفی هزینه نگهداری این پارکینگ ها زیاد است و احداث آن صرفه اقتصادی ندارد.

وی در باره پارکینگ زیرسطحی همت توضیح می دهد: طرح های مطالعاتی این پارکینگ بررسی شده است. برای احداث آن باید سرمایه گذار پای کار بیاید. بیمارستان ها توانایی فضای احداث پارکینگ زیرسطحی را دارند، اما در این زمینه اقدامی انجام نمی دهند. در حال حاضر در اطراف معابر شهدای سلامت، ساختمان های خالی به عنوان پارکینگ استفاده می شود، اما باز هم ظرفیت برای پارک خودروها کافی نیست.

## منطقه

کانال جمع آوری آب های سطحی و بهسازی آسفالت در این محور اجرایی شد. وی با بیان اینکه اعتبار تخصیص یافته به این پروژه بالغ بر ۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان است، گفت: این عملیات شامل اجرای آسفالت به میزان ۹ هزار و ۲۰۰ متر مربع با حجم ۱۱۰ تن آسفالت گرم، اجرای جدول سنگی به طول ۲ هزار و ۵۰۰ متر و احداث کانال هدایت آب های سطحی به متراژ ۱۲۰۰ متر طول است که در چند فاز اجرایی به بهره برداری رسید.

## برگزاری سومین جشنواره فوتبال ساحلی

برای نخستین بار در سومین جشنواره ورزشی رمضان، رقابت های فوتبال ساحلی جام رمضان، جام برکت و کرامت به میزبانی منطقه ۸ در زمین فوتبال ساحلی پایانه امام رضا (ع) برگزار می شود. در این دوره از مسابقات ۲۵ تیم در قالب هفت گروه سه تیمی و یک گروه چهار تیمی با یکدیگر به رقابت می پردازند و در پایان، دو تیم از هر گروه به مرحله حذفی صعود می کند.

## منطقه

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۷ خبر داد  
فراخوان دومین رویداد بزرگ شهری «ریحان شهر»

سمیرا منشادی معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۷ مشهد از آغاز فراخوان دومین رویداد بزرگ ریحان شهر خبر داد و گفت: در ولادت حضرت معصومه (س) برای دومین سال شاهد برگزاری این رویداد بزرگ شهری در بوستان بانوان ریحانه خواهیم بود. هادی شهبانی گفت: از همه تشکلهای فعال بانوان، انجمن های مردم نهاد، مجریان، کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، نقال ها، راویان، دانش پژوهان، کارآفرینان، نخبگان، استادان دانشگاه و حوزه دعوت می کنیم با ارائه آثار فاخر خود از ۳۱ فروردین تا ۸ اردیبهشت در برگزاری این رویداد بزرگ شهری مشارکت کنند.

## ● ایستگاه برای دختران

او با اشاره به اینکه شرکت کنندگان می توانند در هشت ایستگاه آثار خود را ارائه کنند، افزود: ایستگاه اول دختران بهشتی، ایستگاه دوم دختران ایرانی، ایستگاه سوم دختران آسمانی، ایستگاه چهارم دختران دانشمند، ایستگاه پنجم دختران محبیه با محوریت جنگ نرم، ایستگاه ششم دختران سالم و بانشاط، ایستگاه هفتم دختران آینده ساز، ایستگاه هشتم دوره می دختران است. شهبانی ادامه داد: در این رویداد، برگزاری جشن های شاد، کافه گفت و گو، اهدای جوایز به برگزیدگان ایستگاه، اجرای استندآپ کمدی، مولودی خوانی و گروه سرود و... با حضور هنرمندان برای شهروندان در نظر گرفته شده است.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۷ مشهد بیان کرد: شرکت کنندگان می توانند آثار خود را در ساعات اداری به دبیرخانه شورای اجتماعی محلات معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۷ مشهد ارسال کنند. همچنین علاقه مندان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت [farhangi.mashhad.ir](http://farhangi.mashhad.ir) مراجعه کنند. شهبانی افزود: این رویداد در حال و هوای دهه کرامت از ۲۹ تا ۲۰ اردیبهشت ماه در بوستان ریحانه برگزار می شود.

معاون فنی مرکز بهداشت ثامن درباره فعالیت های هفته سلامت می گوید

سلامت خانواده  
در اولویت برنامه ها

صفائی برنامه «هفته سلامت» سالانه در اردیبهشت ماه، برای ترویج مفاهیم کلیدی سلامت و گفتمان سازی در جامعه با تأکید بر اولویت های ملی سلامت برگزار می شود. این برنامه امسال از یکم تا هفتم اردیبهشت، با شعار «سلامت خانواده و مردمی سازی سلامت» و با هدف دسترسی سریع و مناسب به خدمات سلامت برای مردم و پیشگیری از آسیب های جسمی برگزار می شود. در این باره با طاهره ملککارا، معاون فنی مرکز بهداشت ثامن، گفت و گو کرده ایم.

این متخصص طب سنتی ایرانی می گوید: مهم ترین مأموریت وزارت بهداشت برای دستیابی به اهداف سلامت، ارتقای سلامت خانواده است؛ زیرا خانواده سالم می تواند جامعه ای سالم را تشکیل دهد و جامعه سالم هم مقدمه ای برای رشد و توسعه کشور در ابعاد مختلف آن به شمار می رود؛ بنابراین وزارت بهداشت باید بتواند این حق همگانی، یعنی سلامت را برای خانواده ها فراهم و مهیا کند. روز شمار این هفته نیز بر مبنای توجه به خانواده است و با توجه به اجرای نظام تحول سلامت،

## منطقه

نجمه موسوی زاده جلسه هم اندیشی بانوان فعال حاشیه شهر منطقه ۷ با رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای شهر برگزار شد. در این جلسه بانوانی از دوازده محله کم برخوردار منطقه، مشکلات محله خود را مطرح کردند. رقیه خواجه بامری، نماینده بانوان محله زار عین، از نبود درمانگاه در این محله گلایه کرد و توضیح داد: اهالی می توانند از دارالشفای رضوی که در زائر شهر قرار دارد استفاده کنند، اما این درمانگاه برای بانویی که باردار است یا بیمار بد حال، مناسب نیست؛ چون ورودی آن دور است. او افزود: یکی دیگر از مشکلات محله، طعم نامطبوع آب های لوله کشی است. آبی که فقط ظاهر آسماندنی است اما غیر قابل خوردن است. یکی از محورهای جلسه درباره معرفی بانوان هنرمند و کارآفرین هر محله بود که در این راستا خواجه بامری به بانوان کارآفرین و سرپرست خانواری اشاره کرد که از طریق چهارشنبه بازار طرق امرار معاش می کنند و نیاز به حمایت دارند. فاطمه ریحانی، نماینده بانوان محله ابوذر، نیز با اشاره به اینکه این محله همچون دهکده ای محصور

است، گفت: هیچ گونه علائم راهنمایی و رانندگی در میدان یا چهارراه های محله وجود ندارد و همین موضوع سبب شده است شاهد تصادف به ویژه در ساعت تعطیلی مدارس باشیم. او به نبود فضای ورزشی برای بانوان نیز اشاره کرد و افزود: هیچ سرانه ورزشی برای بانوان این محله در نظر گرفته نشده است. در بازدیدهای شهرداران منطقه از محله، این موضوع را مطرح و حتی زمینی را در خیابان شهید غفاری ۱۰ برای احداث پیشنهاد کردیم، زمینی که در حال حاضر محلی برای دپوی زباله همسایه ها است. در پایان جلسه، رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای شهر با بیان اینکه در نظر داریم در حوزه کسب و کارهای خانگی، به یاری بانوان بیابیم تا در کنار وظیفه مادری خود، چرخه اقتصاد و اشتغال را نیز فعال کنند، توضیح داد: در همین راستا شما می خواهید بانوان هنرمند، نخبه، کارآفرین، پرتلاش و فعال محله را به ما معرفی کنید. فاطمه سلیمی ادامه داد: مشکلاتی را که در هر محله وجود دارد، می توان اولویت بندی کرد تا زمان اجرای پروژه های زودبازده این موارد در نظر گرفته شود.

رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای شهر مطرح کرد

حمایت از بانوان نخبه و  
کارآفرین حاشیه شهر

### ● کار سخت در کارگاه پدر بزرگ

محمد هفت سال بیشتر نداشت که به مشهد آمد و در کارگاه قالی بافی پدر بزرگش. حاج فتح... بافندگان، مشغول به کار شدند برای آینده اش هنری بیاموزد. آن زمان پدر بزرگش سرپرست هشتاد دستگاه قالی بافی در روستاهای اطراف مشهد بود و پای هر دستگاه سه نفر کار می کردند. او هم به جمع ۲۴۰ نفری اضافه شد که در کنار هم قالی های دوازده متری پشمی با رنگ و طرح های سنتی می یافتند. آن زمان مردم از قالی و قالیچه های دست باف استفاده می کردند.

پدر بزرگش به او کار را آموخت. برخلاف بسیاری از آدم ها که در مکانی آشنا کار می کنند و همه هوایشان را دارند، محمد روزی دوبار از پدر بزرگش با وسیله ای شبیه فنری بلند کتک می خورد. هر شب به خاطر این اتفاق بین پدر بزرگ و مادر بزرگش بحث بود. مادر بزرگش شب ها بدین کبود او را چرب می کرد و به پدر بزرگ می گفت «چرا این بچه معصوم را می زنی؛ گناه دارد...» حرف پدر بزرگش این بود که «او را می زنم تا بقیه حساب کار دستشان بیاید.»

حاج فتح... قبل از اینکه در اطراف راه آهن، سمت حسین آباد قانیه ها سرپرست قالی باف ها شود، خودش در کوچه حمام باغ (چهارراه مقدم طبرسی به سمت پنج راه) دستگاه قالی بافی داشت، اما بعد از ورشکستگی، گردونه زندگی مسیرش را طور دیگری رقم زده بود؛ حالا در تلاش بود که با سخت گیری های زیاد، کسب و کارش دچار مشکل نشود. مادر بزرگ، محمد را به مدرسه فرستاد تا در کنار کار قالی بافی درس بخواند و سری میان سرها در بیاورد، اما رسم آن زمان مدارس بی شباهت به راه و رسم پدر بزرگ نبود و به هر بهانه، بچه ها را فلک می کردند. او که دیگر طاقت این همه کتک را نداشت، بعد از سه ماه، درس و مدرسه را رها کرد و به قالی بافی چسبید.

### ● فیروزه تراش ها چپ دست بودند

دو سال کار در قالی بافی پدر بزرگ برای محمد به سختی گذشت. او طاقت این را نداشت که بخواهد با آن سن کم برای دیگران الگو باشد تا آن ها درست کار کنند. برای همین تصمیم گرفت نزد دایی اش برود و در حرفه فیروزه تراشی کار کند. دایی اش، علی اکبر خراسانی، شاگرد حاج قاسم مخملباف فیروزه تراش بود. بالاخره در ده سالگی نزد دایی اش مشغول به کار شد. هر چند در این حرفه هم سخت گیری بسیار بود و هر زمان اشتباه می کرد تنبیه می شد. شرایط برایش از کار در قالی بافی بهتر بود.

سنگ های فیروزه، با استفاده از یک ابزار مخصوص و ویژه تراش داده می شوند، چرخشی که روی آن سنباده مخصوص برای تراش سنگ فیروزه قرار دارد. همان طور که محمد آقا مشغول تراش فیروزه هایش است، چرخ تراش را نشانمان می دهد و می گوید: به این دستگاه نگاه نکنید که به سرعت می چرخد و سنگ را تراش می دهد؛ در قدیم دستگاه ها چوبی بود و فیروزه تراش ها مجبور بودند با دست راست، کمانه را که برخی هم به آن زهرود (وسیله ای که بار و ده گوسفند درست شده بود) می گفتند، به سرعت حرکت دهند و با دست چپ فیروزه را تراشند. این سبک کار سبب شده بود فیروزه تراش های قدیم چپ دست باشند، اما الان با دستگاه های برقی سرعت کار بیشتر شده است.

### ● روزگار خوش فیروزه تراش ها

وقتی کار را یاد می گیرد، با دستگاه حبه کردن و خام تراشی کار می کند و روزی ۲ تومان و ۵ قران به او حقوق می دهند. بعد از چهارده سالگی فوت و فن کار را به خوبی یاد می گیرد و دستمزدش روزی سه تومان و ۵ قران می شود. او همه کار را از دایی اش یاد گرفته است؛ برای همین همان چهارده سالگی نزد شیخ علی عباسپور، یکی از فیروزه تراشان، می رود تا چیزی برای یادگیری از قلم نیندازد. کم کم کسب و کارش خوب می شود و دخل و خرج زندگی اش به خوبی می چرخد. در شانزده سالگی تصمیم می گیرد از دواج کند و بعد از یک سال عقد در هفده سالگی سرخانه و زندگی شان می روند و در محله هفده شهریور ساکن می شوند. هر چند محمد آقا سرمایه اولیه ای برای کسب و کارش نداشت تا بتواند مغازه ای برای خودش باز کند. آن قدر در کارش حرفه ای شده که برای کارمزد هر کارش یک تومان و ۱۵ قران دستمزد می گرفت.

بافندگان که در دهه ۵۰ توانسته است مغازه کوچکی در بازار رضا برای خودش بگیرد، توضیح می دهد: روزگاری بیشتر از پانصد فیروزه تراش در مشهد مشغول به کار بودند. آن زمان بیشتر فیروزه تراش های مشهدی در بازارهای بزرگ و تیمچه های اطراف حرم مطهر رضوی کار می کردند؛ به طور مثال در طبقه پایین سرای ملائکه، کفاشی ها و سماور سازی ها بودند و طبقه بالای آن فیروزه تراش ها کار می کردند. در بازار ناصریه ۲۰۰ تا ۲۵۰ مغازه فیروزه تراشی بود. هر سه طبقه فیروزه تراش ها بودند. در خیابان خسروی نهم چهار تا پنج نفر در ساختمان علیزاده روبه روی بازار سرشور کار می کردند. الان فکر نمی کنم ۱۰ نفر از آن فیروزه تراش های قدیمی باقی مانده باشند.

## درد دل فیروزه تراش محله هفده شهریور

بعد از ۵۴ سال تجربه کاری

## شغل ما از سکه افتاده است

حمیده صفائی قدیم هارسم بر این بود که بچه ها از همان سن کم حرفه ای بیاموزند و در سنین جوانی مشغول به کار شوند. محمد بافندگان سمانی هم در هفت سالگی نزد پدر بزرگش رفت تا هنر قالی بافی را یاد بگیرد. دست های کوچک محمد توان بزرگ ترها را نداشت و نمی توانست طرح و نقش ها را به خوبی در بیاورد؛ از طرفی هم بازگوشی های کودکانه او سبب می شد روزی چند بار از پدر بزرگش کتک بخورد. بالاخره پس از سه سال، دیگر نتوانست شرایط را تحمل کند؛ به همین دلیل در ده سالگی نزد دایی اش رفت تا هنر فیروزه تراشی را یاد بگیرد. زرق و برق سنگ های فیروزه و تراشیدن آن ها آن قدر برایش جذاب بود که خیلی زود سوار بر کار شد. او حالا بیش از نیم قرن است که در این حرفه کار می کند و در آستانه شصت و چهار سالگی اش می تواند روزانه سیصد دانه تسبیح تراش دهد و برای نخ کشی آماده کند، کاری بسیار سخت و باظرافت که کمتر فیروزه تراشی قبول می کند انجام دهد.

منطقه





### مراحل تراش نگین

شاید برای آن‌هایی که شناختی از شغل ما ندارند، کار ساده به نظر بیاید، اما برای به دست آمدن نگین، مراحل بسیاری باید طی شود. مرحله اول «ورچیدن» است که سنگ‌های استخراج شده را جدا می‌کنیم و سنگ‌های مناسب کار را برمی‌داریم. پس از آن «تیز کردن» است. این مرحله شکستن کانی فیروزه دار و جدا کردن قسمت‌های زائد است. این عمل از نظر فن فیروزه تراشی اهمیت بسیاری دارد. باید بدانید که سنگ را از کجا قطع کنید تا صدمه‌ای به فیروزه وارد نشود. مرحله بعد را «حبه کردن» می‌گویند. در این قسمت از کار پس از اینکه قسمت‌های سنگی و زائد را جدا کردیم، لبه‌ها و پهلوه‌های سنگ گرفته می‌شود تا به صورت حبه درآید. «خام تراشی» قسمت دیگری از کار ماست. در مرحله حبه کردن فقط روی نگین تراشیده می‌شود، اما در این مرحله، علاوه بر ظرافت بیشتر در تراش، پشت و دور نگین را هم صاف می‌کنیم. «سرچوب کردن» پنجمین مرحله از کار است. فیروزه تراشیده شده بین سه انگشت قرار نمی‌گیرد، برای همین آن را با چسبی مخصوص بر سر چوبی به نام «لوخ» قرار می‌دهند تا به فرمان باشد و بتوان با دقت و ظرافت بیشتر و بدون آسیب رسیدن به دست، مراحل نهایی تراش را انجام داد. بعد از سرچوب کردن فیروزه نوبت به مرحله «غلطاندن» می‌رسد که از مراحل قبلی بسیار ظریف تر است. پهلوه‌های زائد نگین را می‌گیریم و به صورت منحنی متناسب در می‌آوریم. «بیدزدن» یا «پرداخت» دیگر قسمت کار است. فیروزه‌ای را که بر سر لوخ است، به چرخ بید می‌زنیم، درست مثل کاری که الان انجام می‌دهم. «جلادادن» هم جزو مراحل پایانی کار است. در این مرحله ذره‌های روی نگین را می‌گیریم. در پایان این مرحله، فیروزه به جلامی آید و شما یک نگین زیبا را در مقابلتان می‌بینید. اما مردم فکر می‌کنند این نگین در یک مرحله کوتاه با تراش دستگاه آماده می‌شود.



رنگ کردن برای تراش استفاده می‌شود. البته علاوه بر مدل‌های طبیعی و اصل سنگ فیروزه، انواع مصنوعی یا بازسازی شده آن نیز در بازار موجود است که اکثر این مدل‌ها شبیه فیروزه‌های طبیعی اما بی کیفیت هستند و با قیمت کمتری عرضه می‌شوند.

### پسرانم حرفه من را دنبال نمی‌کنند

محمد آقا دو پسر و پنج دختر دارد. هیچ کدام از فرزندانش هنر پدر را ادامه نداده‌اند. او برایمان تعریف می‌کند: روزگاری حرفه ما بر بیایی داشت، اما حالا دیگر برای گذران زندگی مناسب نیست. یکی از پسرانم شش ماه به اینجا آمد تا حرفه مرا یاد بگیرد، اما وقتی با بازار این کار و مشکلاتش آشنا شد، ترجیح داد کار دیگری را در پیش بگیرد. با تغییراتی که در فروش سنگ‌ها ایجاد شده و ورود دلان به این حرفه، کار برای افرادی مثل ما دشوار شده است. فروش سنگ فیروزه به صورت مزایده انجام می‌شود که معمولاً اتباع سرمایه‌دار مزایده را می‌برند. از خودم بگویم، نه میلیاردری پول دارم که بخواهم در مزایده‌ها شرکت کنم و سنگ به قیمت زیاد خریداری کنم و نه می‌توانم کار دلالی انجام دهم، به همین دلیل خرید سنگ برایم سخت است. از طرفی با گران شدن سنگ فیروزه قیمت تولیدات این سنگ هم افزایش پیدا کرده و مشتری‌هایمان نسبت به گذشته کمتر شده‌اند. این اتفاقات دست به دست هم داده است تا کسب و کار ما از رونق بیفتد.

### کار فیروزه تراش‌ها با طلا فروش‌ها برابری می‌کرد

محمد آقا کارش را خیلی دوست دارد. او از پشت چرخش بلند می‌شود و ابتدا انگشترهای ویت‌ترین مغازه را نشانمان می‌دهد: «نگاه کنید که یک سنگ چقدر می‌تواند زیبا و متفاوت باشد. برای هر سلیقه‌ای مناسب است.»

از صندوق کنار مغازه‌اش، تعدادی پارچه برایمان می‌آورد که داخل هر یک از آن‌ها بیش از صد نگین تراشیده گذاشته است. آن‌ها را مقابلمان می‌گذارد و می‌خواهد با دقت به سنگ‌ها نگاه کنیم. اغلب آن‌ها شباهت چندانی به هم ندارند. بیش از پانصد نگین در طرح‌ها و رنگ‌های مختلف، را در مقابلمان می‌بینیم. پس از دقایقی سکوت و بررسی نگین‌ها، می‌گوید: سلیقه مردم طی این سال‌ها تغییر کرده است. روزگاری نگین‌های بسیار ریزی می‌تراشیدیم که ۱۲۰ عدد آن یک گرم می‌شد. گاهی هم سه نگین یک گرم می‌شد. تراش آن فیروزه‌ها در ابعاد کوچک کار راحتی نبود، اما آن زمان بیشتر فیروزه‌های ریز را می‌پسندیدند تا در جواهرات و تزئین لباس‌های اشرافی کار کنند. آن فیروزه‌ها مشتری خودش را داشت که بیشتر خارج از کشور بودند. برای همین درصد زیادی از کار فیروزه تراشان مشهودی صادر می‌شد. برخی از آن‌ها آن قدر ریز بودند که تراشش سخت بود. اگر بگویم آن زمان کار فیروزه تراش‌ها با کار طلا فروش‌ها برابر بود و رونق بیشتری داشت، بیراه نگفته‌ام. این روزها دیگر این کسب و کار از رونق افتاده و بازارمان کساد است.

### فیروزه مصنوعی هم به بازار آمد

روزگاری فیروزه تراش‌ها با دوا سنگ فیروزه شجری و فیروزه عجمی کار می‌کردند. سنگ‌های فیروزه‌ای که روی آن‌ها رگه‌هایی نقش بسته است، با نام سنگ فیروزه شجری شناخته می‌شود. این سنگ‌ها برای تزئین انواع جواهرات استفاده می‌شود. سنگ فیروزه عجمی هم به صورت یک دست آبی است و روی آن هیچ ناخالصی مشاهده نمی‌شود. اما این روزها دیگر مانند گذشته نیست و سنگ‌های متفاوت‌تری به بازار آمده است. محمد آقا می‌گوید: آن زمان کسی به فیروزه‌های سبز نگاه نمی‌کرد، اما الان با نام فیروزه حسینی خرید و فروش می‌شود و مشتری خودش را دارد. به گفته محمد آقا فیروزه‌های سفید را هم احیای می‌کنند و پس از



ترویج فرهنگ مهدوی در پنجشنبه شب‌های خیابان کوهسنگی

## یک قدم نذر ظهور

نجمه موسوی زاده یک سال است که قرارشان شب‌های پنجشنبه در انتهای خیابان کوهسنگی، درست مقابل مسجد امام المنتظر است، قبل از اینکه عقربه‌های ساعت به ۶ بعد از ظهر برسد. وسایل خود را که شامل چند میز و صندلی پلاستیکی، پروژکتوری کوچک و یک تخته سفید می‌شود، در حاشیه پیاده‌رو می‌چینند تا میزبانان رهگذران باشند. گروه «یک قدم نذر ظهور» دو سال پیش با هدف ترویج فرهنگ مهدوی شکل گرفت و در کنار ترویج فرهنگ انتظار، برنامه‌های فرهنگی جانبی همانند معرفی شهید، حجاب و عفاف و مشاوره رایگان نیز ارائه می‌دهد.

### تقویم شهیدایی



روی تخته سفید با خط خوش می‌نویسد: «اول اردیبهشت ماه، زادروز شهید ابراهیم هادی». سپس عکسی از شهید و زندگی‌نامه او را روی تخته می‌چسباند. محمود شیخ زاده مدیر گروه «یک قدم نذر ظهور» است. او در باره شکل‌گیری این گروه توضیح می‌دهد: از کودکی در باره انتظار برای فرج حضرت ولی عصر (ع) بسیار شنیده‌ایم اما انتظار فقط چشم‌به‌راهی نیست؛ بخشی از آن، دعا برای فرج و بخش دیگر انجام فعالیت فرهنگی است.

او ادامه می‌دهد: حدود دو سال پیش بود که همراه چند نفر از بچه‌های مجتمع فرهنگی «سمانه» تصمیم گرفتیم قدمی در راه ارتقای فرهنگ مهدویت به ویژه بین جوانان برداریم و آن‌ها را با فرهنگ انتظار بیشتر آشنا کنیم.

این گروه ابتدا فعالیت خود را از بوستان کاج شروع می‌کند و بعد از چند ماه به بوستان خورشید می‌روند. شیخ زاده می‌گوید: با همفکری اعضای گروه، قرارمان این بود که با حضور در بوستان‌های مختلف شهر، رسالت خود را ادا کنیم. بعد از فعالیت در این دو پارک، از سال گذشته نزدیک بوستان کوهسنگی مستقر شدیم.

او با اشاره به اینکه گروه «یک قدم نذر ظهور» ۱۰ نفر عضو دارد، توضیح می‌دهد: علاوه بر فعالیت در زمینه امام‌زمان‌شناسی و توسعه و اشاعه فرهنگ انتظار، برنامه‌های جانبی مانند رزق‌شهادی که معرفی یک شهید در هر هفته است و میز مشاوره برگزار می‌کنیم.

شیخ زاده یکی دیگر از فعالیت‌های جالب گروه را ساخت تقویم شهیدایی عنوان می‌کند و می‌گوید: به اندازه ۳۶۵ روز سال، تاریخ تولد شهید را پیدا کرده‌ایم و مخاطبان ما می‌توانند روز و ماه تاریخ تولد خود را بگویند تا شهیدی که در همان تاریخ متولد شده است به آن‌ها معرفی شود. گزیده‌ای از زندگی و وصیت‌نامه شهید را در کاغذی کوچک چاپ کرده‌ایم که به مخاطب می‌دهیم.

### اینجا هستیم تا بشنویم



چند دختر جوان دور میز حلقه زده اند و به حرف‌های بانویی که مادرانه صحبت می‌کند، گوش می‌دهند. وجهه اکرمی یکی از اعضای گروه «یک قدم نذر ظهور» است. او تحصیلات حوزوی دارد و به عنوان مشاور پشت یکی از میزها به صحبت‌های بانوانی که به او مراجعه می‌کنند، گوش می‌دهد.

اکرمی که صحبتش با دختران جوان گُل انداخته است، چند دقیقه‌ای مکث می‌کند تا از وظیفه‌اش در گروه بر ایمان بگوید: «بسیاری از بانوان در زمینه تحصیل، فرزند پروری، خانه و خانواده سوالاتی دارند و دلشان می‌خواهد مسائلشان را با یک انسان غریبه‌تر از مادر در میان بگذارند. من اینجا هستم تا شنوای حرف‌های آن‌ها باشم.»

او می‌افزاید: برخی از این گفت‌وگوها فقط برای سبک شدن حال است اما در برخی دیگر، ما جواب را از دل همین حرف‌ها می‌آوریم. اگر هم صحبت از یک چالش جدی باشد، آن‌ها را ما می‌کنیم تا چند جلسه پیش یک مشاور خوب بروند و مشکلشان را مطرح کنند.

اکرمی یکی دیگر از کارهای گروه را مربوط به عفاف و حجاب عنوان می‌کند و توضیح می‌دهد: در مدت دو سال فعالیت گروه هیچ‌گاه تذکر لسانی برای حجاب نداده‌ایم، بلکه تلاش کرده‌ایم با یک ارتباط دوستانه و از طریق دادن گیره روسری یا یک شاخه گل، بانوان را به حجاب دعوت کنیم.

### مراجعه بیش از ۱۰۰ نفر



پرچم قرمز رنگی را که به نام حضرت اباعبدالله... (الحسین) مزین شده است، روی میز مرتب می‌کند و تعدادی گل اطراف آن می‌چیند. سجاده‌ایز دپناه دیگر عضو گروه است. او با اشاره به اینکه این پرچم را از کربلا و حرم اقا گرفته‌اند، می‌گوید: بسیاری از رهگذران با دیدن این پرچم برای دقایقی مکث می‌کنند تا با لمس پرچم، دست خود را تبرک کنند و از این طریق، باب گفت‌وگو با آن‌ها فراهم می‌شود.

او گریزی به فعالیت‌های «سه‌شنبه‌های مهدوی» گروه می‌زند و می‌افزاید: قبل از اینکه نزدیک بوستان‌ها مستقر شویم، با توجه به ایام تقویم، برنامه‌های فرهنگی مانند جشن غدیر، عید فطر، سوگواری برای حضرت زهرا (س) و... در حاشیه شهر برگزار می‌کردیم که با استقبال بسیار خوبی همراه بود.

ایزدپناه ادامه می‌دهد: در کنار برگزاری جشن‌های اعزاداری‌ها، تلاش می‌کردیم مخاطب را با شهیدان آشنا کنیم. بعد از مدتی تصمیم بر این شد که قدم بزرگ‌تری برداریم و در زمینه مهدویت، فعالیت خود را بسط و گسترش دهیم و نتیجه آن ارائه خدمت در شب‌های پنجشنبه هر هفته شد. او یادآور می‌شود: هر هفته به طور تقریبی میزبان شصت تا هفتاد نفر در دو ساعت حضورمان هستیم. البته در زمستان سال گذشته که به دلیل سرمای هوادر ایستگاه مترو مستقر بودیم، تعداد مراجعه‌کنندگان ما بیش از صد نفر بود.

### تبرک پرچم امام حسین (ع)

سن و سال چندان‌ی ندارد. با ذوق و شوق فراوان کاغذی از تقویم شهیدارابه دست گرفته است و با دقت می‌خواند. فاطمه صمدیان دانشجوی رشته آشپزی است. او که برای تفریح به بوستان کوهسنگی آمده، صدای بلندگوی این گروه توجهش را جلب کرده است. می‌گوید: جمعیت دور میز را که دیدم، آمدم ببینم چه خبر است و هنگامی که از فعالیت آن‌ها باخبر شدم، تصمیم گرفتم تاریخ تولدم را بگویم و ببینم با کدام شهید در یک روز متولد شده‌ام.

فاطمه ادامه می‌دهد: قبل از این هم، چنین گروه‌هایی را در جاهای مختلف شهر دیده بودم، اما ابتکار آن‌ها در باره تقویم شهیدارایم جالب بود.

دختر خانم جوان دیگری نیز از تقویم شهید استفاده کرده است. او که تمایلی ندارد نامش را بگوید، توضیح می‌دهد: تا دو سال پیش حجاب مناسبی نداشتم اما بعد از آشنایی با همسرم تصمیم گرفتم محجبه شوم. در تقویم شهیدارابه، تاریخ تولدم با شهید زهره‌وندیکی بود و این شهید در وصیت‌نامه خود بر حجاب تأکید داشت.

امیرحسین رحمتی جوانی متولد ۸۵ است که پرچم امام حسین (ع) نظرش را جلب کرده است. او توضیح می‌دهد: با دو نفر از دوستانم برای تفریح به پارک آمدم که از دور دیدم چند نفر دور یک میز جمع شده‌اند. سؤال کردم و به من گفته شد پرچم آقاعبدالله... (ع) در این مکان است. با اشتیاق آمدم تا دستی بر پرچم بکشم و سلامی به سید و سالار شهیدان عرض کنم.

او می‌افزاید: در ادامه فهمیدم که در این مکان مشاوره هم داده می‌شود، بنابراین تصمیم گرفتم در باره مشکلی که چند روز است فکرم را در گیر کرده، نظر مشاور را بپرسم.



یک ایده ناب از فعال فرهنگی محله امام رضا(ع)

## نوشتن از مسجد عباسی



راه تجربه

امید  
محله

نوجوان ورزشکار محله طرق برای معرفی  
رشته دفاع شخصی به مدارس مختلف رفت

## شرطی که مربی گذاشت

سمیرامنشادی اهدیه نجاتی که پانزده بهار از زندگی اش گذشته توانسته است جزو دختران موفق و امیدهای ورزشی محله طرق باشد. او به دلیل علاقه اش به ورزش دفاع شخصی آستین هارا بالا زد تا دختران نوجوان و جوان راه این ورزش علاقه مند کنند. حالادر باشگاهشان بیش از نود نفر مشغول تمرین دفاع شخصی هستند. خود او در این مدت توانسته است مقام اول استانی سال ۱۴۰۰، مقام دوم استانی کیک بوکسینگ و مقام اول استانی هنرهای نمایشی هیئت دفاع شخصی سال ۱۴۰۲ را به دست بیاورد. همچنین در همین ابتدای سال ۱۴۰۳ توانسته در کارنامه ورزشی اش مقام سوم کشوری در دفاع شخصی در حرکات های نمایشی را ثبت کند.

### ● از چند سالگی ورزش را شروع کردی؟

از چهار سالگی. دوسال ژیمناستیک کار کردم، اما ورزش مورد علاقه ام نبود. مدتی هم کاراته را امتحان کردم. باز هم آن طور که باید از ورزش لذت نمی بردم تا اینکه باراهنمایی های مادرم، علاقه ام را در ورزش دفاع شخصی پیدا کردم.

### ● شنیده ام مربی دفاع شخصی را شما به طرق آوردید. درباره اش توضیح می دهی؟

به اتفاق مادرم دنبال مربی می گشتیم. اما آن ها به دلیل مسافت طولانی به طرق نمی آمدند تا اینکه استادی از شهرک رجایی قبول کرد بیاید. با این شرط که اگر ظرف یک ماه تعداد هنر جوها به حد نصاب نرسد، دیگر نمی آید. با دوف نفر دیگر از دوستانم تیم تشکیل دادیم و به مدارس مختلف رفتیم و دختران بادی در حرکات نمایشی، جذب این ورزش شدند. ابتدا کلاس را با ۹ نفر شروع کردیم و حالا در سه شیفت هنر جوها مشغول تمرین هستند.

### ● برای آینده ورزشی ات چه برنامه ای داری؟

مربیگری و داوری در این رشته ورزشی را دوست دارم. برای مربی شدن مشغول تمرین هستم و تا یک ماه دیگر آزمون می دهم. به امید خدا اگر مدرکش را بگیرم به دلیل اینکه هجده سال ندارم به عنوان دستیار مربی فعالیت می کنم. بعد از هجده سالگی هم برای گرفتن مدرک داوری اقدام می کنم.

### ● برای این ورزش چقدر هزینه می کنی؟

ورزش ما به وسایل خاصی نیاز ندارد. اما برای شرکت در مسابقات ها یا گرفتن مربی خصوصی

نجمه موسوی زاده پنج شش ساله بود که پدر و دایی مرحومش او را با مسجد عباسی محله امام رضا(ع) آشنا کردند. هر چند حضورش در مسجد با کلاس های قرآن و برنامه های تفریحی مانند اردو شروع شد، هر چه بزرگ تر می شد، رفت و آمدش به مسجد بیشتر و معنادار تر می شد. سه سال پیش، روزی که برای اقامه نماز جماعت به مسجد رفته بود، یک باره از ذهنش گذشت که هر چه تا الان در زندگی دارد، از همین مسجد عباسی است. اوسی سال از عمرش را در همین مکان گذرانده بود و این گونه شد که احمد رضا احمدیان تصمیم گرفت کتابی درباره مسجد عباسی بنویسد.

### ● پژوهش درباره شهدای مسجدی

خانه شان نزدیک مسجد قرار دارد، به همین دلیل خودش را فقط بزرگ شده محله امام رضا(ع) نمی داند. او رشد شخصیتی، فرهنگی و مذهبی خود را مدیون مسجد است و می گوید: روزی که دایی مرحوم، حامد خطیبی که فرمانده پایگاه بسیج مسجد بود، دستم را گرفت و به مسجد برد، بچه بودم و تصور نمی کردم این مکان بتواند آن قدر در شکل گیری شخصیت من تأثیر بگذارد. بنابراین خودم را بچه محله امام رضا(ع) و مسجد عباسی می دانم. آقا احمد رضا سه سال پیش تصمیم گرفت کار تحقیقاتی درباره شکل گیری مسجد عباسی انجام دهد، «ایده ای در ذهن داشتم که با پیشنهاد آقای صفار، فرمانده پایگاه بسیج مسجد، تصمیم بر این شد که پژوهش هایم به صورت مکتوب و به شکل کتاب چاپ شود.»

او اولین پرس و جوها را حول محور سال ساخت مسجد و خادمان آن شروع می کند؛ «اولین خادم مسجد حاج آقا یعقوبی بود که در ساخت مسجد مشارکت داشت و بیشتر از نیم قرن در مسجد زندگی کرده بود. بعد از آن در تحقیق هایم متوجه شدم که تعداد شهدای مسجد درست نیست و تعدادی از شهدا از قلم افتاده اند.» او با کار پژوهشی، هفت شهید را که از مسجد عباسی اعزام شده بوده اند، شناسایی کرد؛ «به عنوان مثال شهید امیر غلامی اصالتاً بیرجندی بود. شهید از مسجد عباسی اعزام شده بود، اما بعد از شهادتش، خانواده او به شهر و دیارشان بازگشته بودند. به همین دلیل اطلاعی از آن ها نداشتیم.»

### ● استفاده از ظرفیت نوجوانان

نوشتن داستان مسجد به سمتی پیش رفت که او تصمیم گرفت در کلاس های نویسندگی شرکت کند؛ «برای اینکه بتوانم به درستی با افراد مصاحبه کنم، سپس بنویسم، شش ماهی در کلاس های نویسندگی آقای خسروی را شرکت کردم.»

بخشی از اطلاعات مسجد عباسی جمع شد اما آقا احمد رضا به دلیل مشغله های زندگی نمی توانست به تنهایی پروژه تحقیقاتی اش را تمام کند؛ «تصمیم گرفتم در این مسیر از نوجوانان و جوانان علاقه مند مسجد دعوت به همکاری کنم، چون به نظرم مشارکت آن ها تشویقشان به حضور بیشتر در مسجد است.» او که بیشتر از ۱۰ سال است در برهه امتحانات، کلاس های رفع اشکال در مسجد برگزار می کند، توضیح می دهد: به واسطه این کلاس ها ارتباط خوبی با بچه ها دارم. به تازگی موضوع همکاری آن ها برای تحقیق درباره مسجد را مطرح کرده ام و تا الان که مدت زیادی از این موضوع نمی گذرد، داوطلبان خوبی داشته ایم.

آقا احمد رضا نمی تواند تاریخ دقیقی درباره تهیه و چاپ کتاب بدهد.

برای مسابقه ها باید هزینه کنیم.

بخشی از این مبالغ را والدینم تأمین

می کنند. چون به آرایشگری و آبروییک

علاقه داشتم، دوره های این دو هنر را گذراندم.

درآمدی را که از این طریق به دست می آورم، خرج

ورزشم می کنم.

### ● آیا توانسته ای روی دختران اطرافت تأثیر بگذاری؟

به نظر خودم بسیار زیاد تأثیر گذار بوده ام. مادر و خواهر کوچک ترم در همین رشته ورزشی مشغول فعالیت هستند. بین دوستان و دختران محله مان به عنوان دختر ورزشکار و فردی که پشتکار و تلاش زیادی دارد، شناخته می شوم. بسیار پیش آمده است دخترانی که در مدرسه شان اجرا داشته ام، نشانی باشگاه را پرسیده اند و ثبت نام کرده اند.

### ● از شکست های ت چه درسی گرفتی؟

اولین مسابقه ای که در دفاع شخصی شرکت کردم، همه گفتند مقام می آورم، اما شکست خوردم. چند روز ناراحت بودم؛ بعد از آن، ایرادهای کارم را بررسی و برای مسابقه بعدی حسابی تمرین کردم. در آن مسابقه توانستم مقام اول استانی هیئت رزمی را به دست بیاورم. به نظرم بعد از شکست شیرین تر و دلچسب تر است.



منطقه



منطقه



## محلات منطقه‌ها:

۷: عنصری، ۱۷ شهریور، کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلیس، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، خلیج، عسکریه، انقلاب، بهارستان، ابوذر، قائم (عج)، زارعین، طوق

۸: سرشور، جنت، امام رضا (ع)، امام خمینی (ره) شهید بهشتی و آبشار

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر  
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی  
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد  
دبیر شهرآرا محله منطقه ۷ و ۸: حمیده صفائی  
تلفن شهرآرا محله منطقه ۷ و ۸: ۳۱۲۹۴۷۸۱  
تلفن شهرآرا محله منطقه ۸: ۳۱۲۹۱۸۶۳۰۴

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹  
دفتر منطقه ۷: خیابان پروین اعتصامی ۱۸ - پشت ساختمان شهرداری منطقه ۷  
دفتر منطقه ۸: کوهسنگی ۳۱، پارکینگ بوستان کوهسنگی، چهارسوق هنر (سوق چهارم)  
سایت مشهدچهره: mashhadchreh.shahranews.ir دریافت نسخه  
الکترونیک شهرآرا محله از: shahranews.ir



# یک روز اقتصادی برای پسران مدرسه امام حسن (ع)

صنایع دستی را ارائه می‌کنند که صفر تا صد آن تولید خودشان است. همین موضوع سبب شده است ۱۶۷ میز در حیاط مدرسه برپا شود، غرفه‌هایی که میزهای فروشش همان میز و نیمکت‌های کلاس است. برای رونق بیشتر این بازارچه از مدارس هم جوار و اهالی محله سیدی هم دعوت شده است تا برای خرید و بازدید بیایند.

سمیرا منشادی قبل از اینکه وارد دبستان امام حسن (ع) دوره دوم وابسته به بنیاد فرهنگی مصلی نژاد بشویم، صدای دانش‌آموزان پسر به گوش می‌رسد. هیجان‌شان با روزهایی که می‌خواهند مسابقه‌ای برگزار کنند یا به اردو بروند، متفاوت است. قرار است «جشنواره غذا و صنایع دستی» را با کمک خانواده‌هایشان برگزار کنند. آن‌ها خوراکی‌های خانگی و



عکس: سمیرا منشادی / شهرآرا



بنیامین مرادی و پارسا سجادی دانش‌آموزان کلاس ششم این مدرسه هستند. مادر بنیامین، دم‌کنی، دستگیره و... تولید کرده و آن‌ها را در اختیار پسرش قرار داده است تا در این بازارچه عرضه کند. بنیامین و پارسا معتقدند درس خواندن آسان‌تر از کار فروشندگی است.

علیرضا محمدزاده در کلاس پنجم درس می‌خواند. او هنر دست دانش‌آموزان یکی از هنرستان‌های ویژه اوتیسم را روی میزش گذاشته و روی کاغذی نوشته است: «فروش به نفع دانش‌آموزان مبتلا به اوتیسم». علیرضا با این کار می‌خواهد دانش‌آموزان با این اختلال آشنا شوند.



غلامرضا عطایی، مدیر مدرسه امام حسن (ع)، اشاره می‌کند که این بازارچه چهار سال است که در مدرسه‌شان برپا می‌شود. امسال ۲۲۰ دانش‌آموز برای سه ساعت در این غرفه‌ها به عرضه و فروش محصولاتشان مشغول شده‌اند.



فاطمه احمدآبادی که فرزندش یک غرفه دارد، معتقد است برگزاری این قبیل جشنواره‌ها سبب می‌شود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان به‌ویژه در حوزه کسب و کار بیشتر شود.



می‌گویند چون نتوانسته‌اند غرفه‌ای داشته باشند و از سویی می‌خواستند در این برنامه فعالیت داشته باشند، این مسئولیت را قبول کرده‌اند.

محمدطاها عامری و محمدپارسا پهلوان در کلاس پنجم درس می‌خوانند. آن‌ها هنگام خروج به مراجعه کنندگان برگه نظرسنجی می‌دهند.